بررسی و تحلیل ولایت‌عهدی در سیرهٔ امام رضاعليه‌السلام ـ سید محمد رضا حسینی جلالی/ مترجم: فهیمه فهیمی‌نژاد

فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**

سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۶۳ ـ۸۲

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

بررسی و تحلیل ولایت‌عهدی در سیرهٔ امام رضاعليه‌السلام

سید محمد رضا حسینی جلالی * مترجم: فهمیه فهیمی‌نژاد**

چکیده: مسئله ولایت‌عهدی امام رضاعليه‌السلام از جنبه‌های مثبت (مورد نظر امام) و از جنبه‌های منفی (مورد نظر مأمون) قابل بررسی است. برگزاری جلسات مناظره‌های علمی‌با دانشمندان، فرقه‌ها و مذاهب دیگر برای مشغول ساختن علمای دربار به اموری بود تا آنها را از فکر کردن تصرّفات دستگاه خلافت دور سازد. اگر امام‌عليه‌السلام در مناظره موفق می‌شد، افتخاری برای حکومت مأمون محسوب می‌شد و اگر شکست می‌خورد، خط بطلانی بر دعوی شیعه به امامت ایشان می‌بود. امام رضاعليه‌السلام در دوران ولایت عهدی، پایه‌های مذهب شیعه را استوار کرد و در مناظره‌ها، معجزات علمی‌خویش را آشکار ساخت و با هر دین و کتابی به زبان و کتاب خودش احتجاج کرد. مهمترین هدف مأمون در پیشنهاد ولایت عهدی، ظاهرسازی و حل و فصل امور به نفع خودش بود. دلایل امام‌عليه‌السلام برای پذیرش آن و موضع گیری آن حضرت، آثار مثبت و پر خیر و برکتی برای مردم، شیعیان و علمای شیعه داشته است. امامت امام‌عليه‌السلام ربطی به قیام او ندارد. امام، امام است چه قیام کند و چه قیام نکند.

کلید واژه‌ها: امام رضاعليه‌السلام / ولایت عهدی / مأمون / مناظره‌های علمی/ پذیرش ولایت عهدی / نتایج ولایت عهدی / قیام امام‌عليه‌السلام / امامت.

---

*. درباره نویسنده در شماره ۳٤ سفینه توضیحاتی آمده است.

**. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب و استاد مدعو دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

FahimeFahiminejad@gmail.com

۱- بیان مسئله:

موضوع اصلی این مقاله، بحث پیرامون زندگی دوازده امام است که به حق از جانب پیامبر براساس نصوص متواتر، جانشینی و ولایتشان اثبات شده است. مهمترین نکته‌ای که در این بحث نمایان می‌گردد، دیدگاه ائمه و موضوع‌گیری آنان در مقابل حاکمانی است که بر امت اسلامی مسلط شده‌اند. آنان به خاطر شرعیت و قداست دادن به کار خویش خود را خلیفه و ائمه مؤمنین و یا تعبیری از این قبیل اسامی و عناوین موجه می‌نامند. در طول تاریخ برای کشف این جانشینی و پاسخگویی به هر عاملی که حقیقت امر را آشکار سازد، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است.

یکی از مواردی که از دیر باز بحث می‌انگیزد، گفتگوهایی پیرامون پذیرش ولایت عهدی توسط امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام است که در کتاب‌های تاریخی و گفتارهای مورخان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و صحت و سقم آن در آراء دانشمندان باریک بین و تحلیل حوادث تاریخی قابل اعتماد و پذیرش است.

مؤلف این مقاله را براساس سه گفتار جداگانه که در طی سالها و فاصلهٔ زمانی طولانی نوشته، در یک مجموعه گرد آورده است که عبارتند از:

۱- مطالب ایراد شده در سخنرانی همایش جبل عامل برای طلاب لبنانی در حوزهٔ علمیه قم به تاریخ ۱۴۱۴/۱۱/۱۱ با عنوان: "اهداف و موانع".

۲- مقالهٔ نوشته شده پیرامون ولایت عهدی امام رضا علیه‌السلام در کربلا به تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۰ با عنوان: "اسباب و نتایج"

۳- مقاله‌ای که در پاسخ به سوالی پیرامون "قیام امامان و موضع گیری آنان با خلفاء" در قم به سال ۱۴۳۴ منتشر شده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

این مقاله به شیوهٔ مسأله پژوهی و با محوریت "ولایت‌عهدی امام رضاعلیه‌السلام" سامان گرفته است. نویسنده پس از معرفی امام رضاعلیه‌السلام و تحلیل شرایط زمانی و مکان عصر امامت ایشان به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱- اهداف امام‌علیه‌السلام از پذیرش ولایت عهدی چه بوده است؟

۲- چه موانعی قبل و بعد از پذیرش ولایت عهدی بر سر راه امام قرار داشته است؟

۳- دلائل پذیرش ولایت عهدی امام چه بود؟

۴- پذیرش ولایت عهدی امام چه آثاری بر وضعیت مسلمانان و جامعهٔ هم عصر امام داشت؟

۵- چرا در میان امامان شیعه امام رضاعلیه‌السلام اقدام به ولایت عهدی نمود؟

۲-کلیات:

مطالب بسیاری در کتب اصیل تاریخی و روائی دربارهٔ امام رضاعلیه‌السلام آمده است. آنچه که در دوران امامت ایشان، پر رنگتر از سایر اقدامات حضرت نمایان است، یکی مسئله ولایت‌عهدی و دیگری مناظراتی است که بین امام و پیروان ادیان و مذاهب و اندیشمندان صورت گرفته است. طبیعی است که وقتی زوایا و ابعاد مختلف مسئلهٔ اول بررسی گردد، بررسی امر آسان‌تر خواهد شد. بهتر است بحث با معرفی شناسنامه‌ای حضرت و بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان حضرت آغاز شود تا در میان بحث ابهامی پدید نیاید.

خصوصیات خانوادگی و فردی امام‌علیه‌السلام

نام: علی

نام پدر: امام کاظم‌علیه‌السلام ابوالحسن

نام مادر: تکتم، ام البنین، النوبیه

ولادت: ۱۱/ذی القعده/ ۱۴۸

شهادت: ۲۹/ صفر/ ۲۰۳ (به عقیدهٔ شیخ کلینی در تاریخ شهادت اختلاف نظر وجود دارد، ولی صحیح‌ترین تاریخ، تاریخ مذکور است)

کنیه: ابوالحسن (در احادیث و متون، ابوالحسن ثانی نوشته شده است)

القاب: رضا (مشهورترین)، صابر، وافی، مکیدة الملحدین

۳- شاخصه‌های اصلی عصر امام رضاعلیه‌السلام

در عصر امام رضاعلیه‌السلام مسائل خاصی روی داد که زمینه ساز تصمیمات بعدی ایشان گردید.

مهمترین مسائل عبارتند از:

۱- پدید آمدن شکاف وسیع در دربار عباسی، آن هم بعد از گذشت سالها رشد و توسعه، هم زمان با آغاز حکومت دیکتاتوری مأمون در سرزمین خراسان.

۲- برجستگی عصر امام به شکوفائی علمی، درخشش فرهنگی، رفع تشنج سیاسی و آزادی عقیدتی برای فرقه‌گرایان واندیشمندان ادیان مختلف.

۳- ظهور شکاف عمیق بین شیعیان امامیه پس از وفات امام کاظمعلیه‌السلام با، دعوی گروهی از بزرگان طائفه "واقفیه" و عدم پذیرش ولایت و امامت امام رضاعلیه‌السلام.

امام رضاعلیه‌السلام در عصر خویش با این موارد مواجه شد، با تمام قوا در دفع خطرات آن کوشید و توانست با وجود تمام مشکلات، به وظیفهٔ خویش عمل کند. البته گفت‌وگو پیرامون مسألهٔ سوم و مشکلات واقفیه احتیاج به بحث طولانی و مجالی مستقل دارد که اینجا به آن نمی‌پردازیم.

۴- اهداف و موانع در مسئلهٔ ولایت‌عهدی

کشمکش در دربار عباسی وهجوم آراء و عقاید مختلف فکری در این دوره، به اقداماتی از جانب مأمون منجر شد که به شرح زیر است:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

۴-۱. مسئلهٔ ولایت‌عهدی

ولایت‌عهدی امام رضا علیه‌السلام جنبه‌های متعددی دارد، هم از جنبه‌های منفی یعنی آنچه که مد نظر مأمون بود دیگری جنبه‌های مثبت که امام در خلال پذیرش چنین مقامی‌آنها را به دست آورده است.

واضح است که مأمون از پیشنهاد ولایت‌عهدی به امام رضا علیه‌السلام انگیزه‌های خاصی داشت که با وجود ذکاوت و هوش سرشارش، از رسیدن به اهداف خویش عاجز ماند. از جمله این اهداف:

۴-۱-۱. او می‌خواست بدین وسیله برای کسانی که در صف برادرش محمد امین ایستاده بودند، قدرت نمائی کند. لذا در مقابل برادر خود که حکم انتصاب او از طریق هارون الرشید و بطور رسمی صادر شده بود، خروج کرد. مأمون پس از کشتن امین، به کمک ایرانیان با تمام قوا در خراسان به قدرت رسید. در واقع پیشنهاد ولایت‌عهدی و پذیرش آن توسط امام، تهدیدی بزرگ برای عباسیان بود. او با این کار، عباسیان را به کرنش وا داشت، زیرا عباسیان می‌ترسیدند حکومت به دست علویان یعنی امام رضا و پس از ایشان امام جواد علیهماالسلام بیفتد.

۴-۱-۲. تفرقه و پراکندگی در جماعت شیعهٔ علوی و پیروان اهل بیت، آهنگ فتنه در بین آنها، تردید افکندن در عقیدهٔ امامت به سبب ورود امام علیه‌السلام در سایهٔ حکام مدعی مقام امامت، از اهداف مهم مأمون بود. این مطلب در فرهنگ شیعه امری شگفت‌انگیز و تازه بود و با باورهای آنان از شیوه امامت منافات داشت، چرا که ائمه همواره ادعای خلفاء را برای مقام خلافت به طور علنی باطل می‌ساختند، و همیشه در طول تاریخ حاکمان با اهل بیت با قساوت و سنگدلی برخورد کردند و پیروان آنان را تا سر حد امکان و با هر نوع از شکنجه مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

پس اگرچه امام علیه‌السلام در پذیرش ولایت‌عهدی عوامل و انگیزه‌های خود را داشتند، ولی به خلافت عباسی ظاهراً وجهۀ شرعی می‌بخشید. این مطلب برای بعضی از شیعیان قابل هضم نبود، به ویژه کسانی که پایبند به اندیشۀ واقفیه[1] بودند. این مطلب به رنجش آنها افزود و سبب تمرّد و سرپیچی آنان شد. آنان از قویترین و بادوام‌ترین گرایش‌های مذهبی بودند تا این که در قرن پنجم به کلی منقرض شدند.

۴-۱-۳. هدف دیگر مأمون، شیوع افکار وارده به جامعه بود که به بهانۀ تشویق به فضای باز فکری و به واسطۀ سلطه‌طلبی در اثر فتوحات اسلامی پدید آمده بود، بخصوص سرزمینهایی که خودشان فرهنگ غنی و سابقۀ درخشان داشتند. مسائل، احکام و سنن، آموزه‌های اسلام با عملکرد خلفا مغایرت داشت. بنابراین مخالفان به فعالیتی وسیع دست زدند: از یک طرف شک و شبهه در عقاید مسلیمن افکندند، از طرف دیگر با یهودیان، نصاری و زرتشتیان جدل و مناظره داشتند.

این پدیده آثار منفی خاصی برای مردم داشت که مأمون خطر آن را احساس کرد و امام را به ولایت‌عهدی برگزید تا این خطر توسط امام کنترل و هدایت شود.

۴-۲. مسالۀ مناظره‌ها و بحث‌ها

مأمون جلسات مناظره بین دانشمندان فرقه‌ها و مذاهب دیگر بر پا می‌کرد. این جلسات بین چهار گروه از طبقات اندیشمند جامعه بودند:

الف. مسلمانان نسل جدید که با فتوحات اسلامی‌به جامعه اضافه می‌شدند.

ب. مسلمانان و ادیان قدیمی‌موجود در سرزمینهای اسلامی

ج. گرایش‌های فکری و منحرف شده از دین اسلام

د. صاحبان افکار واندیشه‌های وارد شده از خارج

۱ . فرقه‌ای از شیعیان علوی بودند که امام موسی کاظم را آخرین امام شناختند، رحلت امام هفتم را انکار کرده و امام را مهدی قائم دانسته و معتقد بودند امام برای قیام زنده است و به همین دلیل واقفیه نامیده شدند.(مترجم) [دهخدا، *لغت نامه*/ ج ۱۵، ص ۲۳۰۹٤].

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

مأمون توانائی امام را از زمان پدرش هارون می‌شناخت و امام رضاعليه‌السلام را شخصیتی ماهر و چیره دست در رویارویی با همهٔ اندیشمندان یافته بود. پس با برگزاری مجالس مناظره و احتجاج، می‌توانست هم موج اندیشه‌های موجود در جامعه را مهار کند و هم امام را با تصدّی و پرداختن به امور حکومت سرگرم نماید، زیرا – با محاسبهٔ خود – حتماً به یکی از اهداف خود می‌رسید که عبارتند از:

۴-۲-۱. یا امام می‌توانست به این مخالفان پاسخ دهد و آنها را شکست بدهد. در این صورت برای مأمون و حکومتش افتخاری بود که ولی عهدی که او انتخاب کرده و به حساب او، از عناصر حکومت و خلافت است، مخالفان را شکست دهد.

یا اینکه امام شکست می‌خورد و نمی‌توانست بر موضع آنها غلبه کند پس در رویارویی با آنها خود را کنار می‌کشید و مخالفان بر او برتری می‌یافتند. این خود خطّ بطلانی بر دعوی شیعه به امامت ایشان و قضاوت به زیان مذهب شیعه و گروه شیعیان متعهد به امام بود.

۴-۲-۲. در هر صورت، مأمون ولی عهد را از داخل شدن در مسائل حکومت و ارتباط با عموم مردم و حل مشکلات و رفع معضلات آنها باز می‌داشت، مبادا نزد مردم محبوبیت کسب کند و خطری برای نظام شود.

۴-۲-۳. با این ترفند اغفالگرانه، علمای دربار و وعّاظ سلاطین هم مشغول اموری شدند که آنها را از فکر کردن به تصرفات حاکم و دستگاه خلافت دور می‌ساخت، مثل اندیشهٔ "خلق قرآن"[1]. آنچنان دانشمندان درگیر این مسئله بیهوده شدند که به خاطر

۱. خلق قرآن یا حدوث و قدم و یا مهنه، یکی از بحث‌های کلامی– عقیدتی پیرامون قرآن است. به این معنی که قرآن چون کلام خداست همانند صاحب خود قدیم است و یا مانند سایر مخلوقات حادث است. این بحث در قرن سوم هجری بازتاب اجتماعی پیدا کرد که آغازش در عصرهارون الرشید و اوج آن در عهد مأمون و پایانش در عصر متوکل بود. و این مأمون بود که بخاطر اعتقاد به معتزله، تفتیش عقاید شدیدی به نام مهنه برپا کرد. مترجم [خرمشاهی، *دانشنامه* / ج ۱، ص ۹۱۸].

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

همین قضیه به هم اتهام کفر می‌زدند. کار به آنجا رسید که از مسائل پیرامونشان در کشور، مردم، گرفتاریها و ظلم و فساد غافل شدند.

۴-۳. دیدگاه امام مقابل هدفهای مأمون

امامت امام رضاعليه‌السلام برای اجرای دستور خداوند و رسیدگی به امور دین و دنیای مردم واجب است. لذا به خوبی توانست علیرغم اهداف و اندیشه‌های مأمون، وظیفهٔ خود را در استحکام اسلام و اصول آن با دوراندیشی برساند و خیالبافی‌های مخالفان را با تمام جهت‌گیری‌ها خنثی کند.

تصدّی و مهاراین امر، خود دلیلی بزرگ برای اثبات امامت ایشان بود. حضرتش در خلال مدت ولایت‌عهدی پایه‌های مذهب شیعه را استوار کرد تا از نظر عقیدتی، دینی و اندیشه مداری، درست مطابق با اسلام و متناسب با زندگی کریمانه و آزاد باشد.

براساس اسناد موجود از مجالس مناظره و مباحثه، امام معجزات علمی‌خویش را آشکار ساخت، دانشمندان را متحیر و مبهوت داشت، و برتری و حقانیت خویش را برای منصب امامت و خلافت اثبات کرد.

به هر حال امام رضاعليه‌السلام اهداف و تدابیر مأمون را وارونه کرد. در پی آن، امور مطابق مصلحت اسلام اجرا شد و امامت حقه امام نیز ثابت گردید.

امام در مقابله با ادیان غیر اسلامیو مناظره با اهل کتاب-اعم از یهودی، نصرانی و زرتشتی- شاهکار خود را نشان داد، چرا که با اهل تورات به تورات، با اهل انجیل به انجیل و با هر دین و کتابی به زبان و کتاب خودش احتجاج کرد. اینک به یک نمونه از احتجاجات ایشان اشاره می‌شود:

امام‌عليه‌السلام برای سرکردهٔ نصرانی‌ها براساس متن"انجیل" از سفر سوم انجیل یوحنا حجت آورده و آشنایی خود را به تورات و تاریخ بنی‌اسرائیل نشان داده است. همین طور به نصّ دیگری از کتاب شعیا احتجاج کرده که در آن، از پیامبر عظیم الشأن یاد شده و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

ترجمه عربی عبارت آن چنین است: "رایت راکبین أضاء لهما الارض: أحدهما علی حمارٍ و الآخر علی جملٍ[1]" (دو سوار را دیدم که زمین بخاطر وجودشان روشن شد: یکی از آنها سوار بر الاغ و دیگری سوار بر شتر)

امام رضاعليه‌السلام سوار بر الاغ را حضرت عیسی و سوار بر شتر را حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله تفسیر نمودند. بدین سان امام رضاعليه‌السلام توانست در دورهٔ ولایت‌عهدی خویش، آراء و عقاید را در زمینه‌های مختلف دینی به اطلاع دیگران برساند و آن را در بین ملتها به صورت علنی و در سطح گسترده اشاعه دهد. در همین دورهٔ کوتاه ولایت‌عهدی فعالیتهای تبلیغی شیعه افزایش یافت. و دانشمندان سادات امکان یافتند که در همه جای کشور گسترده شوند و معارفشان را در میان مردم ریشه‌دار کنند. بزرگترین دلیل اثبات این امر، آرامگاههای بسیاری از نسل اهل بیت است که در جای جای کشور وجود دارد. این مزارها گواهی می‌دهد که تشیع در هر منطقه که آرامگاه یکی از اهل بیت آنجاست، به آن اعتبار بخشیده است.

علاوه بر این امام رضاعليه‌السلام توانست توجه خاصی به دانشمندان داشته باشد و آنها را به کار جدّی برای تبلیغ دین حق بگمارد و آنها را به مسیر حقیقی از کوتاهترین، ایمن‌ترین و مطمئن‌ترین و صحیح‌ترین راه – یعنی راه اهل بیت – هدایت کند.

از زیباترین سخنان ایشان در این مورد، آنجاست که امامعليه‌السلام فرمودند: "رحم الله عبداً أحیا أمرنا: یتعلّم علومنا و یعلّمها الناس، فان الناس لو عرفوا محاسن کلامنا لاتبعونا"[2] (خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا کند: علوم ما را بیاموزد و آن را به مردم آموزش دهد، زیرا حقیقتاً اگر مردم محاسن سخنان ما را می‌فهمیدند حتماً از ما پیروی می‌کردند)

---

۱. رساله ی حبقوق از کتاب عهد قدیم. در نسخه‌های جدید به جای "راکبین"، الرکبین چاپ شده است. (طبرسی، *احتجاج* / ج ۲ / ص ٤٢٢).

۲. فیض الاسلام، *بنادر البحار* / ص ١٦٢.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

مسلماً پایه گذاری این روش برای دعوت صحیح توسط امام، با وجود کشمکشها و اختلافها، بهترین روش بود که امام آن را به شیعیان خویش نشان داد.این مسئله توجّه ایشان را به علم دین و یاددهی و یادگیری آن نشان می‌دهد. ایشان به کسب علم از منابع معتبر و رجال موثّق تأکید می‌کنند تا خواستار علم و دانش، بر پایهٔ اصول و قواعد محکم و روشی ایمن از خطا و لغزش تکیه کند و با ایمان و اعتقاد به کار خود، در مسیر خود راه پیماید. حضرتش این حدیث را سرمشق خویش قرار دادند که پیامبر فرمودند: "رحم الله امرءاً عمل عملاً فأتقنه"[1] (خداوند رحمت کند انسانی را که کاری را انجام دهد و آن را صحیح و استوار سامان دهد)

در حقیقت مقام ولایت‌عهدی برای امام رضاؑ شرایطی مهیا ساخت که امام به اهداف خود دست یابد.

۴-۴. خدماتی که امام در جایگاه ولایت‌عهدی انجام داد

امام در حدّ امکان و در جایگاه امامت و براساس علم و تقوا و شروطی که در پیمان ولایت‌عهدی ذکر شده بود، بهترین نقش را ایفاء نمود. شاهد بر این حقیقت، میزان تأثیر ایشان در نظام عباسی و خصوصاً شخص مأمون بود، تا آنجا که منجر به شهادت حضرتش به دست مأمون گردید.

به حق امام در مسألهٔ ولایت‌عهدی به گونه‌ای عمل کرد که:

اولاً: به وظیفه ی خود در مقابل حاکم ستمگری که بیم خطر از جانب او می‌رود، با تقیه عمل کرد.

ثانیاً: به بهترین شکل ممکن، به وظیفهٔ تعیین شده به عنوان امام عمل کرد.

۱ . حسکانی، *شواهد التنزیل* / ج ۱، ص ۵.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

ثالثاً: برای دانشمندان امت خویش و دعوت‌کنندگان به مذهب اهل بیت و تشیع، الگوئی تبیین کرد تا هر کس در چنین موقعیتی قرار گرفت، بداند چگونه عمل کند.

حال خواننده می‌تواند قضاوت کند که چگونه ممکن است دوراندیشی امام با حب به جاه و مقام با هم جمع شود؟

۵ - دیدگاه امام رضا علیه‌السلام در مقابل ولایت‌عهدی (دلائل و نتایج)

پدیدهٔ پذیرش ولایت‌عهدی یکی از رویدادهای بزرگ تاریخی است که با تصویری غیر واقعی و علل ناشناخته باقی مانده است. اگر دلائل و نتایج این رویداد تحلیل نشود ممکن است درست انعکاس نیابد و افراد را به باطل بیندازد و پرسش‌هایی پیش‌اید، مانند این که:

۱- رمز موضع گیری امام چیست؟

۱- چرا امام چنین تصمیمی‌گرفت؟

۳- نتایج حاصل از پذیرش آن کدام است؟

برای پاسخ به‌این پرسش‌ها، ابتدا باید شرایط زمانی و مکانی امام و سپس دلائل و نتایج حاصله از این پیمان توضیح داده شود.

۵-۱.موقعیتهای امام

موقعیتهای امام به دو گونه است: مکانی و زمانی.

۵-۱-۱. موقعیتهای مکانی: امام علیه‌السلام دو پشتوانهٔ قوی داشتند که امپراطوری عباسی را تهدید می‌کرد: یکی سرزمین فارس و ایرانیان بودند که از دیر باز اهل بیت را شناخته بودند و خلافت را زیبندهٔ آنان می‌دانستند. دیگری سرزمین جزیرهٔ عربی بود که به اهل بیت تمایل داشتند و هر کرامت و فضیلتی را در آنها می‌یافتند و به خاطر علم، بردباری، پارسایی، سخاوت، شکوه و نورانیت بدون هیچ دشواری به آنها گرایش داشتند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

درست در همین زمان ملت مسلمانان با شیادی خلافت و اعمال اهداف شخصی خلفاء، نظام اسلامی را به خطر می‌انداخت. حاکمان بنی عباس با تولید ناامیدی در مردم نسبت به عدالت اسلام، تنفر از نظام زشت خود را می‌افزودند. پس حضور امام به عنوان امام و پیشوا برای شیعه، دستی قوی و پشتوانه‌ای محکم در سرزمین اسلامی‌شد.

۵-۱-۲. موقعیت‌های زمانی: امام علیه‌السلام در زمان هارون الرشید زیسته که بارها در حق اهل بیت ظلم کرده و آرام و قرار را از سرزمینهای اسلامی‌گرفته بود. این حق کشی‌ها و فشارها ادامه داشت تا با پذیرش ولایت‌عهدی جانهایشان تسکین یافت، شوکت و قدرتشان فزونی یافت و ظلم و استبداد آنان نسبت به علویان برملا شد.

این شرایط جزء مواردی بود که مأمون با در نظر گرفتن آن، ولایت‌عهدی را به امام پیشنهاد کرد.

۵-۲. هدف مأمون از پیشنهاد ولایت عهدی

نخستین و مهمترین هدف، ظاهر سازی مأمون در مقابل مردم و حلّ و فصل امور به نفع خودش بود. ولایت‌عهدی امام رضا علیه‌السلام وسیله‌ای برای حل تمام مشکلات پیش رو بود. به طور خلاصه اهداف او عبارتند از:

۵-۲-۱. دلجویی از ملت: ایرانیها نسبت به اهل بیت تعصب داشتند. پس مهمترین هدف مأمون، استیلاء بر سرزمین فارس بود. به همین دلیل ناچار بود آنها را راضی نگه دارد. پس به نیت دلجوئی از آنان ولایت‌عهدی را به امام علیه‌السلام داد.

۵-۲-۲. دلجویی از علویان: علویان هم که از دیر باز وارد کشورهای اسلامی شده بودند، در سرزمینهای دیگر پراکنده شده و توانسته بودند قلب ملتهای دیگر را به دست آورند. پس مأمون با ولایت‌عهدی امام توانست آنها را به سمت خود جلب کند و از جانب قیام احتمالی آنها در امان بماند. زیرا پخش شدن و زیاد شدن آنان حکومت را تهدید می‌کرد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

۵-۲-۳. کفارهٔ جرمهای پدرش هارون: هارون ظلم و فشار نسبت به علویان به ویژه ائمهٔ اهل بیت را از حد گذراند. هر چه بیشتر می‌گذشت، کینه نسبت به او در دل دوستداران اهل بیت بیشتر می‌شد. پس مأمون با پیشنهاد خویش موقتاً توانست انگیزهٔ انتقام را از بین ببرد و خشم و کینه را خاموش کند.

۵-۲-۴. تحقیر امامت امام: مأمون از فرآیند ولایت‌عهدی استفاده کرد تا جایگاه و منزلت امام را در کشورهای اسلامی پایین آورد، و به امامت ایشان لطمه زند. زیرا امام همچون پدرانش به زهد و پارسائی نسبت به دنیا و دروی از کسب جاه و مقام مشهور بود. مأمون خواست با ولایت‌عهدی به مردم اعلام کند که کناره‌گیری امام فقط به خاطر این است که دنیا از امام روی گردانده است. این مطلب به صراحت در بیانات امام رضا علیه‌السلام در گفتگو با مأمون بیان شده است.

امام به مأمون فرمود: من می‌دانم تو چه می‌خواهی. مأمون پرسید: چه می‌خواهم؟ امام علیه‌السلام فرمودند: می‌خواهی مردم بگویند که علی بن موسی الرضا از دنیا کناره‌گیری نکرده، بلکه بدان روی آورده است. آیا ندیدید که چگونه به خاطر طمع، خلافت را قبول کرد[۱].

۵-۲-۵. شجاع شدن درمقابل عباسی‌ها: مأمون با سپردن امر ولایت‌عهدی به امام، توانست با عباسی‌هایی مقابله کند که تصمیم داشتند در موارد متعدد از او انتقام بگیرند. زیرا شرایط به گونه‌ای بود که:

اولاً: ایرانیها بر اقتدار کشور و تولیت امور مملکتی و به دست گرفتن پستها سلطه یافتند.

۱ . شیخ حر عاملی ، *وسائل الشیعه*/ ج ۱۷، ص ۲۰٤.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

ثانیاً: آزادی علویان و پخش شدن آنها مسئله‌ای بود که عباسی‌ها را می‌ترساند. پس مأمون توانست با ائتلاف بیت علویان و ایرانیان، پایه‌های حکومت خود را تقویت کند و مانع خطر عباسی‌ها شود.

۵-۳. موضع گیری امام و نکات مثبت پذیرش ولایت عهدی

امام علیه‌السلام در مقابل مأمون دو موضع می‌توانست داشته باشد: یا پذیرفتن و یا کشته شدن. زیرا مأمون ابتدا کوشید که امام امر خلافت را به عهده بگیرد، اما امام با استدلال قوی آن را نپذیرفت. وقتی مأمون ناامید شد، به پیشنهاد ولایت‌عهدی به ایشان متوسل شد. اما امام از نیرنگ و مراد مأمون آگاه بود؛ لذا موضع او عدم پذیرش ولایت‌عهدی بود. این بار مأمون امام را به قتل تهدید کرد.

امام علیه‌السلام در پرسش دلیل پذیرش ولایت‌عهدی می‌فرمایند:

"خداوند تنفر مرا نسبت به آن می‌دانست. پس وقتی بین پذیرش آن و مرگ مختار شدم، قبول ولایت‌عهدی را بر مرگ ترجیح دادم و آن را برگزیدم"[۱].

مأمون هم در گفتگویی طولانی با امام می‌گوید: "به خدا سوگند که باید ولایت‌عهدی را بپذیری، وگرنه تو را مجبور می‌کنم. و اگر آن را نپذیری، گردنت را می‌زنم."[۲]

۵-۴. چرا امام شهادت را به قبول ولایت عهدی ترجیح نداده است؟

در این امر اسراری وجود دارد:

الف. امر الهی که امام در اوج عبودیت بدان پای بند بود.

ب. پذیرش ولایت‌عهدی برای ایشان آثار سودمندی داشته که نتایج آن به حق و اهل آن خیر می‌رساند و راه غدر و بهانه را قطع می‌کند. نتایج مورد نظر عبارتند از:

۱ . صدوق ، *عیون اخبار الرضا* ج ۲، ص ۱۴۰.
۲ . همان.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

۵-۴-۱. آزاد شدن علویها از فشارهای سخت. بسیاری از آنها با هلاکت و یا با آوارگی به نابودی کشیده شدند. امّا قبول ولایت‌عهدی توسط امام باعث شد که آزار متوقف شود. پس به شیعیان و دوست داران اهل بیت فرصت داده شد.

۵-۴-۲. امام در این دوره اقدام به انتشار معارف حقیقی الهی نمود و توانست ثابت کند که امر خلافت پس از پیامبر فقط باید در دست اهل بیت اثبات باشد. نیز سنتهای محمدی را مثل اقامهٔ نماز روز عید احیاء کرد که شرح آن در کتب تاریخی و احادیث آمده است. (جزایری، *ریاض الابرار فی مناقب الائمه الاطهار* / ج۲، ص ۳۶۸)

۵-۴-۳. علماء شیعه از طریق اتصال به اهل بیت توانستند به علوم بیشماری دست یابند. تکالیف شرعی و احکام دینی خود را آزادانه بشناسند و با بهره‌گیری از گنجینه‌های نهفته امام، آثار ارزشمندی به جا بگذارند.

۵-۵. شروط امام علیه‌السلام برای پذیرش ولایت‌عهدی

بین امام و مأمون پیمان نامه‌ای در سال ۲۰۱ هجری (پنجم یا هفتم ماه رمضان) بسته شد و امام شروطی برای پذیرش این مسئله گذاشتند. بخشی از آن چنین است که: "احدی را نصب نکنم، احدی را عزل ننمایم..." (صدوق، *عیون اخبار الرضا* / ج۲، ص ۱۴۰)

مأمون هم به صرف موافقت لفظی و ظاهری امام خشنود بود و فکر می‌کرد به اهدافش می‌رسد. بدین روی جشن گرفت، مردم را به پوشیدن لباس سبز (نماد علویان) و ترک لباس سیاه (نماد عباسی‌ها) امر کرد، به نام امام سکه زد، برای رضایت زیر دستان خود هزینهٔ زیادی خرج کرد، کسانی را که مقاومت کردند و بیعت ننمودند زندانی کرد، دستور داد در سراسر کشور به اسم امام خطبه خوانده شود و اسم امام در کنار اسم خودش در خطبه بیاید، شاعران را روانه ساخت و برای مدح امام به آنها صله داد. کار، به همین منوال گذشت تا اینکه خطر نزدیک شد. وقتی مأمون با نقشهٔ ولایت‌عهدی نتوانست به اهداف فریبکارانهٔ خودش برسد، کم کم حسادت در او برانگیخته شد. به

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

خاطر علم سرشار، روش نیکو، دانش در تدبیر و قداست و شایستگی حضرتش برای این مقام امامت الهی، کینه مأمون شعله ور شد، خواستهٔ درونی را آشکار کرد و تصمیم گرفت خود را از وجود امام خلاص کند.

لذا در سال ۲۰۳ وجود مقدس امام را نابود ساخت و کوشید آن ستارهٔ درخشان را خاموش کند. اما نه تنها نور ربّانی حضرتش خاموش نشد، بلکه امام به خاطر عظمت، جلالت و قداست در عمق جانهای مشتاق حق جاودانه شد. حتّی بارگاهش مکان مقدسی شد که خواستاران از هر طرف به او پناه می‌آورند، در حالی که از مأمون چیزی باقی نماند غیر از ستمها و خیانتهایی که صفحات تاریخ را سیاه نموده است. و امام علیه السلام در طول تاریخ در یاد و خاطر مسلمانان جاودانه شد. " سلامٌ علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یرجع و یوم یحشر حیاً"

۶- امامت و اختلاف نقش‌ها در قیام ائمه و تفاوت موضع گیری آنان

۶-۱. این بحث در پاسخ به این سوال نوشته شده که: چرا بین دوازده امام، تفاوتهایی در اجرای شیوهٔ امامت وجود دارد؟

مثلاً حضرت علی علیه السلام در طول سلطهٔ خلفای سه‌گانه گوشه‌نشینی کرد تا اینکه بعد از آنها در سال ۳۶ ولایت را به عهده گرفت، سپس در برابر مخالفان در جنگ جمل، صفین و نهروان ایستادگی کرد و جنگید، چرا با خلفاء نجنگید و در دورهٔ خلافت خویش ایستادگی کرد؟ چرا امام حسن علیه السلام به نفع معاویه از خلافت کناره گرفت و با معاویه مبارزه نکرد؟

امام حسین علیه السلام در مقابل حکومت معاویه سالها سکوت کرد، اما در زمان خلافت یزید ایستادگی کرد تا اینکه در کربلا شهید شد.

امام سجاد علیه السلام در مقابل حکام عصرش ایستادگی نکرد و حتی خواستار حکومت هم نبود. اما امام رضا علیه السلام با وجود اینکه خواستار خلافت نبود، ولی ولایت‌عهدی مأمون را

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

پذیرفت. چرا با این که امامان همگی منصوب از جانب خداوند بودند، روشهای یکسان برای موضع‌گیری در مقابل حاکمان نداشتند؟

۶-۲. سخن دراین باب و در بحث امامت به عنوان بخشی از علم کلام به صورت کامل و مستدلّ شرح داده شده است. ولی دراینجا به اختصار و در حدّ ضرورت به آن اشاره می‌شود:

۶-۲-۱. امامت یک مقام الهی است که انتخاب از جانب خداوند صورت می‌گیرد. در این مورد، امامت با رسالت و نبوت مشترک است، با این تفاوت که در مقام امامت نزول وحی تشریعی وجود ندارد. و امام هم دقیقاً طبق دستور خداوند عمل می‌کند. پس پیامبران و امامان بی وقفه و در یک امتداد حرکت کرده و در سخت‌ترین حالتهای فشار و دشمنی و آزارها، به این برنامه پرداخته‌اند.

۶-۲-۲. پرداختن به امور زندگی مادی مردم، مشروط به یاری امت است.

پرداختن امام به امر زندگی مادی مردم و ادارهٔ ولایت بر آنها، زمانی امکان دارد که بسترسازی شده باشد. پیامبران – همچون امامان – در ایجاد این بستر و فراخواندن مردم کوشیده‌اند. وقتی زمینه آماده شد، منتخبان الهی می‌توانند به وظیفهٔ خود عمل کنند. امامان معصوم برای انجام وظیفه خود نیز، نیاز به حضور مردم در عرصهٔ نبرد دارند.

پس قیام امام ربطی به امامت امام ندارد. امام، امام است، چه قیام کند و چه قیام نکند. ولی زمانی می‌تواند قیام کند که یارانی داشته باشد. و امامان وظیفه خود را به بهترین شکل ممکن انجام داده‌اند.

برای مثال امام علی‌علیه‌السلام برای امامت خود از کتاب و سنت دلیل آورد. ایشان مسلماً در اقدام به امر امامت دینی، از هیچ کوششی دریغ نکرده است، زیرا شریعت اسلامی‌را از رسول خدا آموزش دیده بود و در بهترین شکل نگاه داشت. حضرتش در هر موقعیت و در تمام مشکلات، حضور فعال داشته است. در دوران خلفاء به دلیل نداشتن یار و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

یاور قیام نکردند. ولی بعد از درخواست مردم به سال ۳۶ هجری، پس از اینکه یارانی یافت، در مقابل فتنه‌های جنگ جمل، ستمگران جنگ صفین و بهانه جوئی‌های خوارج ایستاد و مبارزه کرد و دفاع از حق را در دولت اسلامی بنیان نهاد. آن جناب در زمانی که جنگ داخلی برپا شد، حکم ستمگران را بر اساس آنچه که از پیامبر ارث برده بود تبیین کرد. پس امام همواره حافظ دین اسلام بود.

امام حسن علیه‌السلام کاری کرد تا یارانش باقی بمانند. وقتی تعداد یاران کم شد، امام با ترک جنگ، از بقیهٔ یارانش محافظت کرد تا معاویه مؤمنان را ریشه‌کن نکند. از طرف دیگر، معاویه تظاهر به اسلام می‌کرد و ابتدا به صلح با امام طبق شرایطی رضایت داد، ولی بعد از مدتی خلاف شرطها عمل کرد و پیمان شکست و چهرهٔ واقعی خود را بر ملا ساخت. همین کشف حقیقت یکی از مهمترین نتایجی بود که به دست آمد، و امام برای آن، ظلم و ستم و سرزنش و آزار دشمنان را تحمل کرد.

امام حسین علیه‌السلام، سالها به شرایط صلح امام حسن متعهّد ماند و هیچ‌گونه حرکتی ضد معاویه و حکومت او انجام نداد، ضمن اینکه در مقابل مخالفان دین هم سکوت نکرد و حریم اسلام را پاس داشت. اما وقتی معاویه پسرش یزید را به جانشینی برگزید، امام حسین با او بیعت نکرد و مجالی برای مبارزه با حاکم اموی یافت. زیرا یزید حتی به ظواهر اسلام پای‌بند نبود. پس امام حسین در برابر او ایستاد و خود را درراه احیاء اسلام فدا کرد. امام سجاد علیه‌السلام، از یک سوی، نفوذ یأس و ناامیدی و شکست به درون مسلمانان را دید. از سوی دیگر، واهمه مردم از ستم حاکمان بر خاندان رسول سبب شد که حضرت کسی را نیابد تا به یاریش قیام کند. پس امام سجاد علیه‌السلام تلاش خویش را از جهاد به سوی برنامه‌ای قوی‌تر از رویارویی نظامی‌معطوف داشت، اصول و فروع اسلام را محافظت کرد، امید را به مسلمانان برگرداند، و تلاشهای جانشیان بنی‌امیه را در تحریف دین باطل کرد. امامان پس از ایشان، همین سان، به حفظ اسلام از نظر عقیدتی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]

و شرعی پرداختند و افراد لایق و شایسته‌ای برای تداوم اهداف الهی تربیت کردند، تا بین مردم باقی بمانند و حکام نادان نتوانند به اسم خلافت، قوانین را تحریف کنند. پس هر یک از ائمه به وظایف خویش در راه حفظ اسلام بر مبنای موقعیت و بر اساس نقش خویش، به گونه‌های مختلف و متنوع عمل کرده‌اند و با تلاش گسترده به اهداف حساب شده‌ای رسیده‌اند. البته طرف مقابل یعنی حاکمان، تلاش داشتند که در مورد ائمه، سرسختانه خشونت به خرج دهند و از هر آزاری دریغ نکردند، مثل زندانی، تبعید و قتل و کشتار.

۶-۳. مأمون عباسی با شم سیاسی خود و نیرنگ و دغل بازی کوشید که با روش خود با ائمه برخورد کند. او به خاطر شرعی نشان دادن خلافت خویش، ابتدا با پیشنهاد خلافت و بعد با پیمان ولایت‌عهدی کوشید تا به هدف خود دست یابد. ولی امام با گذاشتن شرط برای پذیرش خلافت، اولاً ساحت خویش را از معصیتهای این جایگاه مبرا ساخت، ثانیاً شرطها به وضوح نشان می‌داد امام با اکراه و از روی اجبار به ولایت‌عهدی رضایت داده است.

یکی از اهداف مأمون، ایجاد فتنه در میان یاران امام بود که چگونه ممکن است امام معصوم، ولایت‌عهدی خلیفه‌ای مستبدّ را بپذیرد؟

هدف دیگرش ترساندن عباسی‌هایی بود که برادرش امین در بغداد را خلیفه می‌دانستند، با تظاهر به اینکه خلافت به علویان منتهی خواهد شد.

به این ترتیب شروطی که در پیمان نامهٔ امام آمده است، نشان از عدم رضایت امام به پذیرش ولایت‌عهدی می‌دهد و این قضیه با اثبات امامت الهی ایشان منافاتی ندارد.

۶-۴. خلاصه این که تمام امامان در هر زمانی به گونه‌ای عمل کردند که متناسب با وضعیت زمان خویش، مردم معاصر و حاکمان دوران خودشان بود. البته در همه حال، پایبندی کامل به اداء حقشان به عنوان امام داشته‌اند و وظیفهٔ الهی خویش را تمام و

کمال انجام داده‌اند. مهمترین هدف در هر زمان، حفظ اسلام و حفظ مسلمانان از انحراف بود که به مزدوران و حاکمان ستمکار نزدیک نشوند، و برای محو کید دشمنان و اهل فتنه بکوشند.

از طرف دیگر، امامان به پیروی از رسول اکرم تلاش خود را در حفظ اسلام از نظر عقیدتی و دینی بذل کرده‌اند. در واقع هدف آنان حفظ علوم و میراث نبوی بوده است که به واسطهٔ آن حق و صداقت و واقعیت اسلام شناخته شود و همهٔ بشر زندگی آزادانه و کریمانه داشته باشند، زندگی‌ای که خداوند آن را اراده کرده و آن را در قرآن کریم فرو فرستاده است، پیامبران – از آدم تا خاتم – به آن مأمور شده‌اند و امامان بزرگ با خون پاک خویش آن را ترسیم نموده و اثبات کردند.

منابع مترجم

قرآن کریم

۱) آذرنوش، آذرتاش و دیگران. *فرهنگ معاصر عربی – فارسی*، نشر نی، تهران، چاپ نهم/ ۱۳۸۷ ش

۲) جزایری، نعمت اله، *ریاض الابرار فی مناقب الائمه الاطهار*، انتشارات تاریخ العربی، بیروت/ ۱۴۲۷

۳) حرعاملی، محمد، *وسائل الشیعه*، انتشارات آل البیت، قم/ ۱۴۰۹

۴) حسکانی، عبیدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، انتشارات مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، تهران/ ۱۴۱۱

۵) خرمشاهی، بهاءالدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، انتشارات دوستان، تهران، چاپ دوم/۱۳۸۱ش

۶) دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم/۱۳۷۷ش

۷) صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، نشر جهان، تهران/ ۱۳۷۸ق

۸) طباطبائی، سید مصطفی، *فرهنگ نوین*، انتشارات اسلامیه- تهران/ ۱۳۵۸ش

۹) طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، نشر مرتضی، مشهد/۱۴۰۳

۱۰) فیض الاسلام، سید علی نقی، *بنادر البحار* (ترجمه عقل و علم و جهل، جلد ۱و۲ بحار الانوار) انتشارات فقیه، تهران، بی‌تا

۱۱) میرزائی، نجفعلی، *فرهنگ اصطلاحات معاصر*، انتشارات دارالثقلین، چاپ چهارم/ ۱۳۸۱ش

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.13.7]